روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۴۹ ■ سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۴ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۲۱+۳۴	بیرجند	+۱۰+۲۸	سنندج	+۶+۱۶	همدان	+۱۳+۲۴
اراک	+۵+۱۶	تهران	+۳+۱۴	شهرکرد	+۱۶+۲۵	یاسوج	+۲۵+۳۰
اردبیل	+۷+۹	تبریز	+۷+۱۴	شیراز	+۸+۱۳	یزد	+۴+۱۰
ارومیه	+۸+۲۰	خرم‌آباد	+۸+۱۱	قزوین	+۱۵+۲۰	دبی	+۱۸+۲
اصفهان	+۲۱+۳۴	رشت	+۱۵+۳۱	کرمان	+۲+۸	نجف	+۲۵+۳۷
اهواز	+۹+۲۰	زاهدان	+۷+۱۴	کرمانشاه	+۷+۱۹	مکه	+۶+۱۵
ایلام	+۷+۲۱	زنجان	+۱۵+۲۰	کاشان	+۲۵+۳۱	مدینه	+۸+۱۶
بجنورد	+۱۷+۳۰	زابل	+۱۳+۲۱	کیش	+۸+۲۰	لندن	+۲۴+۳۲
بندرعباس	+۲۴+۲۷	ساری	+۱۰+۲۱	گرگان	+۵+۱۲	پاریس	+۵+۱۶
بوشهر	+۱۵+۲۶	سمنان	+۵+۱۶	مشهد	+۸+۲۰	استانبول	+۷+۹

تهران: اذان ظهر ۰۵: ۱۲ اذان مغرب ۱۱: ۱۹ اذان صبح فردا ۳۸: ۳

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سینمای دیگر (تکرار)	دو	۱۳
روزهای به یادماندنی (تکرار)	یک	۱۵/۱۵
سریال هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۱۹
سریال عامل ناشناخته	سه	۲۰/۱۵
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱
سینما پشت پرده	سه	۲۱
مجله تئاتر	چهار	۲۱/۴۵
پرستاران	یک	۲۲
پای پیاده	پنج	۲۳
سینمای حرفه‌ای	دو	۲۳/۴۵

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)

آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- آسیا
گلریز۱- بهمن۲- قیام- جوان۲- پیروزی
المپیا- تهران۱

هوو (علیرضا داوودنژاد)

عصرجدید۱- تهران۲- جوان۱- فردوسی- سروش- جی۳- سعدی- ملت- مرکزی۳- دهکده- شیدا- ماندانا- موزه سینما- پارس ۲- جمهوری

زیر درخت هلو (ایرج طهماسب)

استقلال- عصرجدید۳- مرکزی۱
بهمن۱- آستارا- پیوند- ایران۲
جی۲- بلوار، شقایق

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران۳- صحرا- شهرقشنگ- فلسطین۱- مرکزی۲- جی۱- فرهنگ۱- کارون- گلریز۲- حافظ- پایتخت- میلاد

مربای شیرین (مرضیه برومند)

فرهنگ ۲- ناهید
پیام- سپیده ۲- فلسطین ۳- اروپا- شاهد
شهر تماشا۲- کانون- شیرین

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی منیژه صحی

گالری هور ۸۸۷۰۶۹۸۴

نمایشگاه مجسمه و طراحی محمدعلی بنی اسدی

خانه هنرمندان ایران ۸۸۸۳۶۶۷۱

نمایشگاه خوشنویسی یدالله کابلی خوانساری

نگارخانه والی ۸۸۰۴۷۶۹۸

نمایشگاه نقاشی های علی گلستانه

نگارخانه اعتماد ۲۲۵۹۹۱۲۷

نمایشگاه نقاشی بهار بهبهانی

نگارخانه اثر ۸۸۳۲۶۶۸۹

نمایشگاه نقاشی بهجت صدر

گالری گلستان ۲۲۵۴۱۵۸۹

نمایشگاه نقاشی مسعود عربشاهی

گالری ماه ۲۲۰۴۵۸۷۹

تئاترهفته

دشمن مردم (اکبر زنجانپور)

تالار اصلی تئاترشهر- ۱۹/۰۰

تیغ و ماه (آتیلا پسیانی)

تالار چهارسو تئاترشهر- ۲۰/۰۰

شب بخیر جناب کنت و...

سالن قشقایی تئاترشهر- ۱۸/۳۰

فرهنگ

تئاتر

کارگردانان برتر تئاتر انتخاب شدند

سمندریان از کریمی تقدیر می کند

این روزها به بهانه هفته تئاتر جشن‌ها و مراسم بسیاری در تقدیر از هنرمندان این هنر برگزار می‌شود. مراسمی که جدای از این جایزه‌ها کمترین سودش این است که اهالی تئاتر را از پیشکسوتان تا جوان‌ترها گرد هم می‌آورد. از این جشن‌ها یکی جشن بازیگر بود که شنبه برگزار شد و فردای آن روز نیز در انجمن کارگردانان خانه تئاتر جشنی برپا شد که در آن نصرت کریمی، توران مهرزاد، اسماعیل شنگله، مسعود فروتن، بهزاد فراهانی، داوود دانشور، منیژه محامدی، دکتر علی رفیعی و عباس جوانمرد مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفتند. این جشن با حضور حمید سمندریان، نصرت کریمی، توران مهرزاد و جمعی از هنرمندان عرصه تئاتر در سالن بتهوون خانه هنرمندان برگزار شد. در این مراسم مصاحبه‌ای تصویری از مهین اسکویی به یاد او پخش شد و حاضران در سالن یک دقیقه به یاد مرحومه مهین اسکویی سکوت کردند. ن در این مراسم همچنین استاد سمندریان هدایایی را به توران مهرزاد و نصرت کریمی به عنوان هنرمندان پیشکسوت تئاتر اهدا کرد و از محسن علیخانی و کورش نریمانی به عنوان دو تن از کارگردانان برگزیده تقدیر شد. همچنین ضمن تقدیر از اسماعیل شنگله، مسعود فروتن و بهزاد فراهانی هدایای این افراد توسط حمید سمندریان به آنان داده شد.

تولد

تولد رهی معیری

شاعری که شعرش را زیست

سیدشهرام شکیبا: نتیجه پسری دوستعلی خان معیرالممالک با خاندان معیری و رجال سرشناس آن تفاوتی عمده داشت. در نوجوانی پای در راه بی‌بازگشت شاعری گذاشت و شهرت فراوان یافت. حالا دیگر کسی محمدحسن خان معیری (پدر) را نمی‌شناسد، اما محمدحسن معیری (پسر) نامی آشنا است. رهی معیری از تیره شاعرانی است که عشق و دلسوختگی و فراق مضامین همیشگی آثارشان بود. افسون این مضامین شعرای بسیاری را به وادی غریب خویش کشید. اما این مضامین تنها دستاویزی بود برای شعر گفتن از فضایی آشنا برای دیگران که شاعران تنها در وادی کلمات با آن سر و کار داشتند. اما کسانی چون رهی، شهریار و عماد مضامین غالب شعرشان را زیسته بودند. زندگینامه هرکدام از این سه شاعر گواه محکمی بر استناد شعر آنها است و شاید بتوان آنها را آخرین نسل شاعران عاشق پیشه معاصر دانست. وجه تمایز اصلی رهی از همگنانش سخت گیری او در ارائه آثارش بود. چنان که حاصل ۴۳ سال شاعری وی دیوانی کم حجم و گزیده است. ترانه‌های شورانگیز رهی او را ترانه سرایی سرشناس کرد. اما شعرهای طنزش به دلیل مضامین سیاسی روز آمدش چنان دچار مرور زمان شده که امروز جز برای محققان ارزش چندانی ندارد. شعر و ترانه رهی معیری تا وقتی که عشق در زندگی جاری است، زندگی عاشقان را زیباتر می‌کند.

خلل پذیر بود هر بنا که می‌بینم
مگر بنای محبت که خالی از خلل است

مهمان روز

حسن‌زاده در شرق

منوچهر حسن‌زاده مدیر انتشارات مروارید چند روز پیش مهمان گروه ادب و هنر شرق بود. حسن‌زاده شاد و سرحال با کتابی در دست به روزنامه آمد و با بچه‌های ادب و هنر از هر دری سخن گفت. منوچهر حسن‌زاده در دانشکده افسری ارتش تحصیل کرده و سال‌ها نظامی بوده است و به سنت نظامی‌ها منظم، با طمانینه و شمرده حرف می‌زند. اما خاطرات او از سال‌های دور و اهالی ادب و هنر که او از نزدیک با آنان نشست و برخاست داشته، چنان زیاد است که او از هر گفته‌ای خاطره‌ای دیگر را به یاد می‌آورد و این موضوعات گفت‌وگوی ما را بسیار می‌کند. اما به هر حال بحث کتاب، نشر و البته انتشارات مروارید از محوری‌ترین بحث‌های آن روز بود. حسن‌زاده برایمان گفت که انتشارات مروارید را سال ۱۳۴۰ همراه سه شریک با مهندس نیکنام، آقای علی بیک و مجید روشنگر بنیان نهاده‌اند، بدون هیچ نوشته و سندی و با پول اندکی که مقداری از آن را از بانک وام گرفته بودند. «ما کار خود را با یک کتابفروشی روبه‌روی دانشگاه آغاز کردیم. آن زمان بیشتر کتاب‌های پزشکی کار می‌کردیم. بعدها انتشارات به خانه‌ای ۸۰ متری در خیابان نادری منتقل شد. آپارتمانی به نام خانه کتاب زیر کافه نادری که طبقه اول آن خالی بود.» و انتشارات مروارید با مکانی جدید کار خود را با چاپ کتاب «دل شکسته» نوشته ناتانیل وست با ترجمه عبدالله توکل پی گرفت و تا امروز در حوزه‌های مختلف به‌ویژه روانشناسی، علوم اجتماعی، ادبیات و شعر و... به انتشار کتاب پرداخته است. از همان سال‌ها این نشر با چاپ کتاب‌هایی از بزرگان ادب چون احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و... نام خود را ناشری معتبر و پرکار نشان داد؛ آثار ماندگاری که هنوز بیشترین چاپ مجدد را در انتشارات مروارید داشته است. حسن‌زاده از خاطراتش با احمد شاملو، اخوان ثالث و بسیاری دیگر از نام‌های ماندگار ادبیات گفت و از اینکه آنها علاوه بر جایگاه والا در ادبیات شخصیت فردی بسیار برجسته‌ای داشته‌اند. حسن‌زاده درباره انتخاب کتاب در «مروارید» گفت که ما به عنوان ناشر هیچ وقت از نسل جوان نمی‌ترسیدیم و البته دنبال پیرها نیز نمی‌رفتیم و همواره دنبال کتابی بودیم که خوانده شود.

سینما

کمدی جدید ویلیامز، در صدر فیلم‌های پرفروش

وصال روحانی: «RV» فیلمی کمدی که متمرکز بر ایام تعطیلات پردردسر یک خانواده آمریکایی است، این هفته در صدر فیلم‌های پرفروش آمریکا و کانادا قرار گرفت و در این راه در سه روز پایانی هفته ۱۶/۴ میلیون دلار فروخت و «یونایتد ۹۳» را که یک کار دراماتیک و پیرامون واقعه ۱۱ سپتامبر است، به رده دوم تنزل داد. در «RV» رابین ویلیامز نقش پدری را بازی می‌کند که اعضای خانواده خود را برخلاف میل‌شان سوار بر یک اتومبیل بیش از حد بزرگ به تعطیلات می‌برد و طبعاً در بین راه اتفاقات و بلاهای جالبی بر سرشان می‌آید. «یونایتد ۹۳» مسافرانی را به تصویر می‌کشد که سوار بر پرواز ۹۳ در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با گروگان گیرنده‌های خود و سارقان هواپیما به مبارزه برخاستند و باعث شدند هواپیما پیش از رسیدنش به مقصد و انجام کار مورد نظر (حمله به واشینگتن) در پنسیلوانیا فرود آید و پروازش متوقف شود. قبل از اکران فیلم عده‌ای می‌پرسیدند آیا مردم آماده تماشای فیلمی هستند که مستقیماً و بی‌واسطه به واقعه فوق بپردازد و آیا حساسیت موضوع آنها را فراری نخواهد داد، اما این فیلم توانست جمعیت زیادی را به سالن‌های سینما بکشاند و ۱۱/۶ میلیون دلار فروش را در ۳ روز آخر هفته موجب شود. «Stick it» یک کار کمدی جدید از شرکت والت‌دیسنی که درباره پرداختن دختران به ورزش ژیمناستیک است، در اولین هفته نمایش خود ۱۱/۳ میلیون دلار فروش داشت تا در رده سوم جدول قرار گیرد.

نگاه طراح

معلم

فیروزه مظفری

تا نمایشگاه

اگر فهرست کل کتاب‌ها را داشتیم...

امیر پوریا: حتماً برایتان پیش آمده که کتاب مهم و معروفی را بخواهید و مطمئن باشید که به بازار آمده، ولی چون نام ناشرش را نمی‌دانید، نتوانید در نمایشگاه کتاب پیدایش کنید. دوستی هلندی دارم که تصور می‌کرد باجه‌های ارائه اطلاعات در محوطه نمایشگاه قرار است همین نوع خدمات را به مردم بدهد. برایش توضیح دادم که آن باجه‌ها و سرنشینان‌شان، حتی اگر در یکی دو درصد موارد بتوانند نشانی و مسیر غرفه، شماره فلان یا حتی سالن شماره بهمان را درست به مراجعین بگویند کار شگرفی کرده‌اند، چه رسد به اینکه ناشر کتابی را به فرد خواهان کتاب معرفی کنند! باز توضیح دادم که فقط برخی از انتشاراتی‌های قدیمی‌تر یا معتبرتر، بروشورهایی تهیه می‌کنند تا به واسطه آن و با دسته‌بندی موضوعی کتاب‌ها، محصولات فرهنگی‌شان را با اطلاعات کامل‌تری به مخاطب عرضه کنند. در غیر این صورت تا نام و نشان کتاب و نویسنده و مترجم و ناشرش - و گاه حتی طرح روی جلدش - را یک جا ندانی، بعید است کتابی را که از پیش درنظر گرفته‌ای، پیدا کنی؛ مگر اینکه به‌طور تصادفی و در طول «غرفه گردی»های مرسوم، یکهو جلوی چشمت سبز شود. و البته اینجا دیگر به حفظ آبروی ملی فکر کردم و بهش نگفتم که ما ایرانی‌ها اساساً در نمایشگاه کتاب بیشتر به همین روش «گذری» خرید می‌کنیم! اما طبعاً پیش خودم فکر کردم که چطور ما بعد از این همه سال و عرض و طول و تجربه، هنوز امکاناتی به این سادگی را در اختیار نداریم که فهرست همه کتاب‌های همه ناشران داخلی با تفکیک یا بدون تفکیک موضوعی، به‌طور مکتوب یا روی مونیتور کامپیوتر در باجه‌های اطلاع‌رسانی در اختیار بازدیدکنندگان قرار بگیرد؟ یعنی در کشوری که فقط یک مرجع مشخص دولتی برای صدور مجوز انتشار هر کتابی وجود دارد و آن مرجع (وزارت ارشاد) هم به قدر کافی «بایگانی»دار و آرشیودار است، تهیه فهرست موردنظر باید این قدر سخت به چشم بیاید؟! نمی‌شود این فهرست را از روی «شابک»هایی که به هر کتاب جدید می‌دهند هر سال «به روز» کرد و به قبلی‌ها اضافه کرد و با هماهنگی مختصری که موقع غرفه گرفتن هر ناشر ممکن است، کتاب‌های غیرموجود را از فهرست حذف کرد؟ اصلاً فکر نکنید که هرکدام از ما به این دلیل که مثلاً خوره سینما یا پیگیر جدی ادبیات داستانی یا غیره هستیم، حتماً و دقیقاً و کاملاً باخبریم که چه کتاب‌هایی در کجاها موجود است. اگر آن فهرست خیالی و آرمانی مورد اشاره‌ام وجود داشت، هر کسی با هر میزان تسلط بر اخبار نشر، چندین و چند بار با دیدن اسم و اطلاعات کتاب‌ها متعجب می‌شد و از خودش می‌پرسید: «!! این هم ترجمه شده؟ خبر نداشتم. کارم در اومد، باید غرفه ناشرشو پیدا کنم و اینو هم بگیرم.» و خب، اصلاً شاید هم مسئولین محترم امکان فهرست‌سازی کامل و موضوع‌بندی شده را دارند و چون نگران جیب ما هستند، دست به کار تهیه فهرست نمی‌شوند؟! توجه و دلسوزی جلوه‌های مختلفی دارد!

خبرساز

عطاران از نون و پیاز تا کارگردانی نودشبی

رضا عطاران این روزها هم خبرساز است. منتها برخلاف همیشه که این خبرسازی مربوط به تلویزیون بوده، این بار سینما او را خبرساز کرده است. کسانی که فیلم هوو را دیده‌اند یکی از نقاط قوت آن را بازی رضا عطاران می‌دانند. از قرار معلوم همکاری او با داوودنژاد همچنان ادامه خواهد داشت. او قصد دارد در فیلم جدید داوودنژاد با عنوان «نون و پیاز» بازی کند. فیلم از فضای مفرحی برخوردار است و فیلمبرداری آن در تهران و شمال انجام می‌شود البته هم‌اکنون موضوع اکران هوو ساخت «نون و پیاز» را به تاخیر انداخته است و اگر سرنوشت هوو در اکران مشخص شود، داوودنژاد ساخت نون و پیاز را آغاز می‌کند. چند سالی است که عطاران مجموعه‌های پرطرفداری را در ایام ماه رمضان کارگردانی کرده است. اگر امسال هم منتظر پخش مجموعه‌ای از او هستید بدانید که او در ایام ماه رمضان مجموعه‌ای پخش نخواهد شد و به جای آن عطاران قصد دارد که مجموعه‌ای نودقسمتی را بسازد. شنبه مدیر شبکه سوم سیما به ایسنا گفته بود که فیلمنامه مجموعه ماه رمضان این شبکه توسط اصغر فرهادی نوشته شده اما هنوز کارگردانی برای آن مشخص نشده است.

خواندنی ها

اساطیر تهران، اساطیر آوارگان است و حق ناشناسان

«منظومه تهران» تازه‌ترین کتاب «محمدعلی سپانلو» است، هرچند تازه‌ترین شعرهایش نیست. منظومه تهران مجموعه‌ای است از شعرهایی که شاعری «تهرانی» درباره شهر خودش نوشته است. سال‌های سال است که شاعران را بنا به شهرشان نمی‌شناسند. در زمان‌های بسیار دور، «شیرازی» بودن «سعدی» یا «حافظ»، یا «تبریزی» بودن «صائب» و «آملی» بودن «کلیم» قطعاً در شعرشان به چشم می‌آمد. در شعرهای کوتاه و بلندی که می‌نوشتند حتماً اشاره‌ای هم به شهرشان می‌کردند. با این همه، آن سنت پسندیده، مدت‌ها است که خریداری ندارد. اما سپانلو سال‌ها است که درباره تهران شهری که در آن به دنیا آمده، حرف می‌زند. هم در مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایش روی تهرانی بودنش تاکید می‌کند، هم در شعرهایش می‌توان اشاره‌هایی به مکان‌های واقعی این شهر دید. نام این کار را باید نوعی تلاش گذاشت برای اعاده حیثیت از شهری که بیش‌تر ساکنانش، مردمانی هستند از شهرهای دیگر، از شهرهای ریز و درشتی که مردمانش شهر خود را «بهترین» و «برترین» شهر ایران می‌دانند. سپانلو، در این شعرها، که ظرف سال‌هایی طولانی و به تدریج نوشته شده‌اند تهران را آن‌طور که خودش شناخته به دیگران می‌شناساند. در این کتاب حدوداً سیصد صفحه‌ای (که انتشارات فرهنگ معاصر آن را منتشر کرده)، شعرهایی را می‌خوانید که از جوانی شاعر شروع می‌شوند و به میان‌سالی‌اش می‌رسند. سپانلو درست مثل شاعران اروپایی، نوشتن منظومه را دوست دارد، همان‌طور که مثلاً «تی. اس. الیوت» دوست داشت. در عین حال این را هم داشته باشید که «منظومه تهران» گزیده‌ای است از بهترین شعرهای سپانلو و حالا که این شعرها در کنار هم جمع شده‌اند فرصت خوبی فراهم شده تا ببینید که می‌توان درباره یک شهر شعرهای زیادی نوشت، بدون آنکه این شعرها تکراری به‌نظر برسند و این برای یک شاعر بی‌شک افتخار بزرگی است.

مجله

نفت سماور آبدارخانه که هست

شماره ۳+۵۶۴ هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، انتقادی و گل‌آقایی «گل‌آقا» منتشر شد. این شماره یادنامه کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا) است و روی جلد آن به صحبت‌های اخیر رئیس جمهور اختصاص دارد که گفته بود: «آوردن پول نفت به سفرهای مردم شعار من نبود، بلکه روزنامه‌ها از قول من نوشتند، من هم تکذیب نکردم.» گل‌آقا تصویری از سخنگوی دولت کشیده که آهسته به رئیس جمهور می‌گوید: «قربان شاغلام آمده می‌گه اگه نفت برای سرسفره مردم ندارید، عجالتاً نفت سماور آبدارخانه هست، گل‌آقا هم که نیست!» در بخش نیش و نوش خبری از جراید چاپ شده مبنی بر اینکه «قضات باید به جای مجازات حبس از مجازات‌های جایگزین استفاده کنند» و انگولکچی جواب داده: «برای دست‌گرمی ترافیک تهران چطوره؟» نجفقلی حبیبی هم به جراید گفته: «سکوت اصلاح‌طلبان به تدریج شکسته می‌شود» و گل‌آقایی‌ها هم کاریکاتوری از اصلاح‌طلبان به خواب رفته کشیده‌اند که تابلوی «خطر ریزش سکوت» جلوی آنها خودنمایی می‌کند. در ستون الو گل‌آقا از تلفنچی پرسیده‌اند: «آقا سهام عدالت شما را دادند؟» و تلفنچی گفته: «نه والله» بعد پرسیده‌اند: «سهم نفت‌تان چطور؟» او جواب داده: «نچ» بار دیگر پرسیده‌اند: «سهمیه کاغذتان را که دیگر دادند؟» و تلفنچی گفته: «هنوز نه» و در نهایت سئوال شده: «ای کلک پس چطوری هفته‌نامه را منتشر می‌کنید؟» که تلفنچی پاسخ می‌دهد: «از گل‌نسا پرسیدیم گفت از طریق امدادهای غیبی.» این شماره گل‌آقا را در ۲۰ صفحه با قیمت ۵۰۰ تومان از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید.

کرگدن نامه

عجیب ولی باورکردنی

سیدعلی میرفتاح

همین دو- سه روز پیش در صفحه حوادث روزنامه شرق خبری چاپ شد که یک قدری عجیب اما باورکردنی می‌نمود. گفتم عجیب و باور نکردنی، ماجراهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و ورزشی این روزهای اخیر به ذهنم متبادر شد. اما حیف که این مسائل مهم به «ما» ربطی ندارد و این فضولی‌ها به ما نیامده است و سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند. این را محض اطمینان‌خاطر آقای یاغچی نماینده تام‌الاختیار مدیرمسئول شرق در ستون کرگدن‌نامه نوشتم که بدانند ما حواسمان هست و به این زودی‌ها بند را به آب نمی‌دهیم. چه داشتم می‌گفتم؟

آقای کپورچالی: پیر شدی میرفتاح، هنوز شروع نکرده حرفت یادت می‌رود.

آقای امیرشاهی: این جور حواس‌پرتی، حواس‌پرتی پیری نیست. حواس‌پرتی پیری مال من و شما است. اسم‌ها یادمان می‌رود. رسم‌ها یادمان می‌رود. امور یومیه‌مان یادمان می‌رود... اما حواس‌پرتی میرفتاح ناشی از بی‌پولی و نگرانی است. به استراکچر جمله‌هایش دقت کنی می‌بینی در آن واحد دارد به ۱۰ تا چیز فکر می‌کند. اگر حق‌التالیفش را به موقع بدهند، لااقل این ۱۰ چیز می‌شود ۹ چیز. هشت تای دیگرش را هم باید ما برایش بزرگتری کنیم و آستین بالا بزنیم تا هشت‌اش برود به گرو هشتاداش.

میرفتاح: خیلی ممنون. نیازی نیست. همان حق‌التالیف را بدهند، هر ۱۰تا مشکل حل می‌شود.

آقای کپورچالی: حالا ما چه کار کنیم که هم حواس‌پرتی ناشی از پیری داریم، هم حواس‌پرتی ناشی از بی‌پولی و هم نگرانی!

آقای مویدی: اینها را ول کن، اصل خبر را بگو ببینم چه بوده است؟

آقای روشن‌ضمیر: چیز خاصی نیست. یک مردی در ساری یک هلی‌کوپتر اختراع کرده، پلیس رفته خانه‌اش ببیند این هلی‌کوپتر چیست؟ ۱۰۰ لیتر مشروب الکلی پیدا کرده است.

آقای کپورچالی: دستگاه سانتریفوژ هم پیدا کرده است؟

آقای روشن‌ضمیر: علی‌الظاهر اهل این حرف‌ها نبوده. فقط هلی‌کوپتر می‌ساخته و مسکرات درست می‌کرده. دم و دستگاه عرق‌کشی و دو تا گونی کشمش هم در خانه داشته که ضبط کرده‌اند.

آقای کپورچالی: پس اهل پرواز از این لحاظ نبوده. فقط از آن لحاظ پرواز می‌کرده.

آقای مویدی: چطور لو رفته؟

آقای امیرشاهی: توی فضا دیده‌اندش.

آقای مویدی: خوب شد ما اهل اختراع هلی‌کوپتر و سفینه و از این جور چیزها نیستیم. حالا جرم کدام سنگین‌تر است؟

آقای امیرشاهی: عجب موجودات خطرناکی پیدا می‌شوند. یک وقت دیدی در زیرزمین خانه‌شان اورانیوم هم غنی کردند.

آقای کپورچالی: می‌گوید دستگاه سانتریفوژ نداشته، آن وقت تو از غنی کردن حرف می‌زنی. او فقط اهل تعلیق‌سازی بوده. همین.

اخبار اندیشه

تاریخ و جغرافیای خلیج فارس

شرق: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد ایران‌شناسی با اجرای دو طرح: تالیف تاریخ و جغرافیای جامع و مستند خلیج فارس از دورترین ایام تاکنون و ترجمه کتاب چند جلدی «لوریمر» درباره خلیج‌فارس، که جلد اول آن با ترجمه استاد آیتی به زودی منتشر می‌شود، درصددند که حقایق تاریخی و ملی مربوط به این خطه تاریخی را در اختیار عموم قرار دهند. اسناد و مدارک منتشر شده در کتاب‌ها و نقشه‌ها و نوشته‌های گوناگون که توسط بنیاد ایران‌شناسی طی سال‌های اخیر تهیه و تدوین شده و در یک بانک گسترده منحصربه‌فرد رایانه‌ای ثبت شده و نیز اسناد منتشر نشده‌ای که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دیگر مراکز موجود است، محتوای این مجموعه اطلاعاتی را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت این اقدام از کلیه علاقه‌مندان به تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران دعوت می‌شود که چنانچه نقشه و سند و مدرکی در این زمینه دارند، به صورتی که مایلند، به‌عنوان اهدا به سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران یا بنیاد ایران‌شناسی و یا فروش (مطابق مقررات) در اختیار یکی از این دو سازمان قرار دهند تا مورد استفاده در این مجموعه قرار گیرد. بدیهی است که نام واگذارکننده سند در کتاب به صورت مناسب یادآوری خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند جهت همکاری با این مجموعه اسناد و مدارک خود را به آدرس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران- اتوبان شهید حقانی (غرب به شرق) بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی، تلفن ۱- ۸۸۶۴۴۰۷۰ و یا بنیاد ایران‌شناسی- خیابان شیخ‌بهایی جنوبی- خیابان ایران‌شناسی، تلفن ۸-۸۸۰۶۶۱۴۶ ارسال کنند.

سلسله کلاس‌های زن در متون مقدس

شرق: زن در متون مقدس عنوان سلسله کلاس‌هایی است که قرار است از سوی رضا علیجانی چهارشنبه‌ها بعدازظهر در کتابخانه حسینیه ارشاد از ساعت ۱۷ الی ۱۹ به صورت دو هفته یک بار برگزار شود. در این کلاس‌ها زن در متون مقدسی چون ریگ ودا، اوپانیشاد، اوستا، عهدعتیق، عهد جدید و قرآن طرح و بررسی می‌شود. بحث زن در متون مقدس با توجه به این گونه مسائل در پی طرح یک نگاه و متدولوژی است که می‌تواند به عنوان یک نمونه در مباحث دیگری همچون متون مقدس و حقوق بشر، دموکراسی، عدالت و... نیز به کار رود. این بحث می‌تواند بستری برای گفت‌وگو و هم‌اندیشی روشنفکری مذهبی و روشنفکری عرفی در چارچوب یک نگاه تاریخی به متون مقدس را شکل دهد که اگر نه در متدولوژی و نگاه امروزین، لااقل زمینه‌ای برای یک همسویی در رابطه با قضاوت دیروزین باشد. اولین جلسه این کلاس‌ها چهارشنبه سیزدهم اردیبهشت ماه خواهد بود.